

حفظ ارزش ها

نقدی بر کتاب چهره‌های خانم مریم زندی



چاپ کتاب‌های عکس و عکاسی در بعد از انقلاب بود که مقبول طبع ناشران قرار گرفت. سابق بر این اگر کتابهایی درباره عکاسی، نقاشی، گرافیک، خوشنویسی، کاریکاتور، فرش و غیره به ناشری پیشنهاد می‌شد حکایت جن و بسم‌الله بود. اما ثبت تصویری وقایع انقلاب و استقبال غیرمنتظره عمومی از چاپ آنها سبب شد که در زمینه هنرهای تصویری، کتاب‌های گوناگونی چاپ شود و جای خالی این‌گونه کتب که سالها به تأخیر افتاده بود تا جدی پر شود.

ناشران ابتدا راضی به نشر کتبی می‌شدند که شامل تصاویر سیاه و سفید بود و علیرغم شم حرفه‌ای که مدعی داشتند بودند لحظه‌ای رغبت به انتشار کتب و آلبومهایی با تصاویر تمیز رنگی نداشتند.

بعداً چند عکاس و نقاش و خطاط با خرج شخصی خود اقدام به چاپ رنگی آثارشان کردند و علیرغم قیمت گران کتابها باز به صورت غیرمنتظره‌ای آثارشان مورد استقبال مردم قرار گرفت و سبب شد تا چند ناشر جوان که از نظر ناشرین حرفه‌ای قدیمی، خام و تازه کار بودند وارد گود چاپ چنین کتبی شوند و در بعضی زمینه‌ها مثل خوشنویسی بازار را تا حدودی اشباع کنند. هر چند که هنوز خیلی از موضوعات دیگر تصویری هم چنان دست‌نخورده و غریبه باقی مانده است.

بگذریم. بالاخره ناشرین فعلی، هنوز هم مثل خیلی از حرفه‌ای‌های دیگر ما خیال می‌کنند که چم و خم کار را خوب می‌شناسند و در انتخاب و چاپ کتاب مهارت دارند.



شعبه پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب «چهره‌ها» ی خانم مریم زندی آخرین کتابی است که در زمینه عکاسی به‌شکلی تمیز و خوب چاپ شده است و از جهات بسیاری ارزشمند است:

اول آن که در حد مقبول، اندازه کتاب و چاپ دورنگ سیاه آن خوب ارائه شده است. دوم آن که به‌موضوعی پرداخته است که جای خالی فراوان داشت و می‌تواند هم‌چنان در موضوع‌های مشابه آن پیش برود.

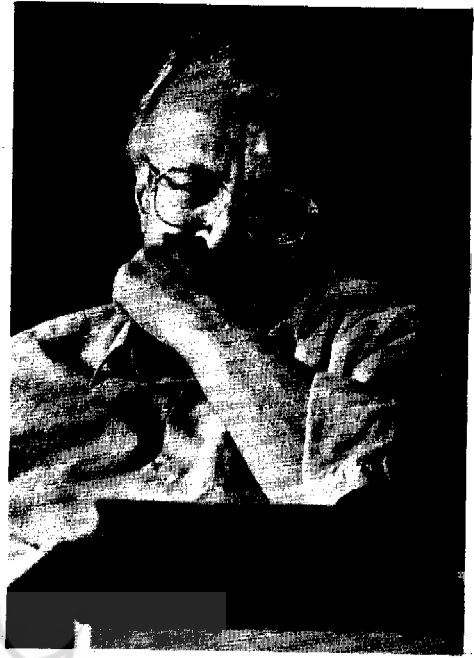
سوم آن که سندی مطبوع و ماندنی در زمینه ادبیات معاصر است. و چهارم آن که عکاس در انتقال چهره‌ای درست از ادیبان ما، در بیشتر موارد موفق است. همین نکات برای معرفی کیفیت خوب کتاب کافیهست و مطابق معمول در انتهای چنین معرفی باید یک «اما» هم گذاشت که نمی‌گذارم.

زیرا «اما» هائی این چنین، اهمیت لحظه‌ای دارند و پس از چند سال این اهمیت‌ها کم‌رنگ می‌شوند و به‌راحتی قابل صرف‌نظر کردن می‌گردند. اگر کسان دیگری آمده بودند و در چنین زمینه‌هائی دست به تجربه و انتشار زده بودند، آن وقت می‌شد یک «اما» ی با اهمیت را برای کتاب مطرح کرد چرا که مسئله بی‌توجهی به تجربیات قبلی دیگران پیش می‌آمد و سهل‌انگاری حفظ اسناد و غیره و غیره. چون ما در کشوری زندگی می‌کنیم که ثروت «اسناد» بی‌دریغ و با غفلت دردانگیزی به‌دور ریخته و نابود می‌شوند. مسئله از چنین زاویه‌ای، اماهای با اهمیتی پیدا می‌کند. در حالی که کتاب خانم زندی چون تجربه اول است فقط درباره آن می‌توان یادآوری کرد که:

۱ - چهره‌های ادیبان معاصر ما به‌چنین تعدادی نیستند که در کتاب معرفی شده‌اند و حق بود در چنین فرصت مقتضی به‌همه آنها پرداخته می‌شد.

۲ - هم‌چنان که چند عکسی از کارهای آقای امامی وام گرفته شده است؛ می‌شد در این زمینه تعداد زیادتری عکس - به‌خصوص از آنها که در قید حیات نیستند - جمع‌آوری و همه در بخشی مجزا و در انتهای کتاب قرار می‌گرفت و در نتیجه هم استقلال کارهای ایشان حفظ می‌شد و هم مجموعه کامل‌تر می‌گردید و چنین امکانی هم وجود داشت و فقط کمی حوصله و تلاش لازم داشت.

۳ - تنظیم چنین کتبی همیشه با حساسیت‌های گوناگونی همراه است. باید با ارزش افراد و کارهای ایشان با سعه صدر فراوانی برخورد کرد. باید با دیدی کاملاً عمومی و گزارش‌گرانه مسائل را نگاه کرد و کوچکترین غفلت سبب می‌شود قضاوت‌های نادرستی نسبت به کوشش صادقانه‌ای که در کتاب منظور بوده پیش بیاید. غیبت کسی به حساب مشکلات عدم دسترسی به او گذاشته نمی‌شود و تصور می‌گردد جرح و تعدیل و حذف و بی‌اعتنائی به او شده است و منصفانه اگر بنگریم فرد غایب و یا کمتر اعتناشده را می‌توان محق نیز بدانیم زیرا همه حاضرین روزی با حسن نیت دعوت عکاس را پذیرفته‌اند بنابراین باید چنین حسن نیت‌ها و همکاریها را ارزشمند دانست و جاده را برای عکاسان و محققان آینده صاف نگهداشت و باعث بدبینی‌ها و بی‌اعتمادی‌های بعدی نشد.



شیراز
پژوهش علوم انسانی و اجتماعی و فرهنگی
موسسه عالی پژوهش

ما ایرانیان اغلب در چنین مواردی سیستماتیک و با دقت و فراست عمل نمی‌کنیم و معمولاً در کارهای ثوابی که آغاز می‌کنیم عاقبت کباب می‌شویم.

معروف‌ترین عکاسی که کم و بیش در چنین موضوعاتی تجربه کرده است یوسف کارش کانادائی است کمتر اتفاق افتاده که او از کسی دو عکس گوناگون انتخاب کند و به‌طور مسلم او از همه مدلهایش عکس‌های متعددی گرفته است اما در نهایت فقط بهترین عکس را مطرح و معرفی کرده است و نتیجه آن که همان یک عکس مثلاً به‌نام «همینگوی یوسف کارش» و یا «چرچیل یوسف کارش» در دنیا معروف شده است. به این ترتیب عکاس وابسته به‌اشتهار مدلس نشده است بلکه هنرمندی یوسف کارش و انتخاب بهترین کارش، سبب شده که عکس، علیرغم تمام‌اشتهار دنیائی مدل، به یوسف کارش وابسته گردد.

چون در خیر هستم که علاوه بر خانم زندگی عکاسان، نقاشان، مجسمه‌سازان و کاریکاتورسازان دیگری هم هستند که در زمینه ثبت و ضبط چهره اندیشمندان معاصر دست به کار هستند و کوشش همگی آنها چه به‌صورت کتاب درآید و یا درنیاید مهم و درخور ستایش است، موظف شدم نکات فوق را با ارادت تمام یادآوری کنم تا هم ارج و اجر تلاش هنرمندان، محترم شمرده شود و هم مدلهای ایشان با حساسیت‌های شخصی کمتر کناره‌گیری و ترش‌روئی نمایند. امیدواریم.

